

زبانی دیگر

نسیم آزادی

(۱۰)
Rose petals let us scatter
And fill the cup with red wine
The firmaments let us shatter
And come with a new design*

بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

It was wonderful for hiking yesterday
دیروز هوای خوبی برای پیاده‌روی بود.

It looks like rain

گویا می‌خواهد باران ببارد.
A cool breeze is blowing

نسیم خنکی می‌وزد.

The weather is humid
هوا مرطوب است.

It's kind of cold today
امروز هوا نسبتاً سرد است.

It is becoming cold little by little
یوآش یوآش هوا گرم می‌شود.

The spring season on the way
فصل بهار در راه است.

What a lovely day!
چه روز زیبایی!

What awful weather!
چه هوای بسیار بدی است!

Isn't it cold / hot?
آیا هوا سرد / گرم نیست؟

How is the weather like out side?
هوای بیرون چطور است؟

It's rainy
هوا بارانی است.

I like to play piano
دوست دارم پیانو بنوازم.

I enjoy playing guitar
از نواختن گیتار لذت می‌برم.

I know how to blow flute
من نواختن فلوت را بلدم.

petal (گل / گلبرگ)
scatter (پراشاندن)
fill (پر کردن / آکندن)
firmaments (فلک)

کسانی که در دنیا و آخرت تنها می‌مانند



برای مراقبت از خود نمی‌بیند مجبور است تا در قبال پرداخت هزینه ای پرستاری برای خود بیاید یا آنکه با وجود اشخاصی در نزدیکان که متبخر هم هستند فرد مجبور است برای انجام کارش هزینه‌ای پرداخت نماید. در حالی که اگر نیاز انسانها به یکدیگر نه با پول بلکه بنا به فرمایشات دینی با محبت و بخاطر وجود روابط گرم انسانی برطرف می‌شد بسیاری از مشکلات اجتماعی و ناهنجاری‌های موجود در جوامع کنونی رخ نمی‌داد.

فاصله گرفتن انسانها از یکدیگر و گسستن پیوندهای دوستی و قومی میان افراد در دراز مدت آسیبهای جدی به فرد می‌زند که قابل جبران نیست. فرد تنها در معرض انواع بزه‌های اجتماعی و مشکلات روحی و رفتاری است و بی‌تردید یکی از راهکارهای پیوند افراد با یکدیگر همین توجه به نیازهای همدیگر است. از نظر اسلامی انسانها موظف به برطرف نمودن حاجات یکدیگرند و کسی که علی‌رغم توان در برآوردن حاجات مومنان کوتاهی نماید به فرموده ی امام صادق (ع) در دنیا و آخرت تنها خواهد ماند: «هرگاه مومنی بتواند برادر خود را یاری رساند، اما نتواند یاریش گذارد، خداوند در دنیا و آخرت او را تنها گذارد.» (محاسن، برقی، احمد بن محمد، ج ۱، ص ۹۹، ح ۶۶)

کلام آخر

فاصله گرفتن از دین و سفارشات دینی علاوه بر نابودی آخرت، سبب نابودی زندگی دنیایی افراد می‌شود. هر چند ممکن است اینگونه تصور شود که دین و زندگی دو عنوان متفاوت و بی‌ارتباط با یکدیگرند اما تتبع در منابع دینی و آشنایی بیشتر با اوامر و نواهی الهی نشان‌دهنده آن است که آنچه در دین بدان تأکید شده است تنها برای سعادت بشر و بهره‌مندی او از زندگی آرام و پاک دنیوی و اخروی است.

و نزدیکان خویش نیز غافل شده است. سبک زندگی غربی و عدم توجه به تعاملات مهم انسانی و نیز فاصله گرفتن مردم از سفارشات دینی سبب گردیده تا انسانها از یکدیگر دورتر و دورتر شوند و هر کس تنها به زندگی خود سرگرم باشد و جز خود به چیز دیگری نیاندیشد. در بسیاری از موارد خلأ ناشی از تعاملات ارزشمند انسانی در جامعه ی کنونی با پول برطرف می‌شود آنگونه که فرد در قبال برآوردن احتیاجات خود ملزم به پرداخت هزینه‌ای می‌گردد. فردی که بیمار است چون کسی را

می‌شود که گویی از هر کار نیکی که در راه خدا و برای خدا صورت گیرد مهم تر و ارزشمندتر است. روایتی از امام صادق (ع): «برآوردن نیاز مومن برتر است از هزار حج که با مناسکش پذیرفته شود، و از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا و هدیه دادن هزار اسب زین و لگام شده در راه خدا» (روضه الواعظین، فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ج ۲، ص ۲۹۲)

اما متأسفانه امروزه در جامعه شاهد فاصله گرفتن هر چه بیشتر افراد از یکدیگر و گسستن پیوند میان افرادییم تا بدانجا که گاه فرد از خانواده

آشنایی با قرآن



متفکر شهید استاد مرتضی مظهری

تفسیر سوره لیل

و ان لنا للاخرة و الاولى دنیا و آخرت مال ماست. ما که هدایت می‌کنیم، اختیار همه چیز هم با ماست. بنابراین تضمینش هم با ماست، ضامنش هم خودمان هستیم.

فانذرتکم نارا تلظی انذار می‌کنم شما را ای انسان‌ها از آتشی برفروخته. از آن راه‌ها نروید که به آنجا می‌رسید! لا یصلیها الا الاشقی به این آتش‌ها نمی‌رسد (بلکه از نرسیدن بالاتر است: به این آتش‌ها نمی‌چسبید، یعنی ملازم این آتش نمی‌شود) مگر شقی‌ترین. انسان هر محرومیتی را برای خودش بدبختی تلقی می‌کند.

مثلاً مالش از بین می‌رود، می‌گوید بدبخت شدم. آبرویش می‌ریزد می‌گوید بدبخت شدم. بچهاش می‌میرد، می‌گوید بدبخت شدم. عضوی از اعضای بدنش از بین می‌رود مثلاً چشمش کور می‌شود، می‌گوید بدبخت شدم.

درست است، اینها همه بدبختی است، ولی بدبخت‌ترین کیست؟ بدبخت‌ترین، آن آدمی است که در نهایت امر کارش به شقاوت کشیده، والا در مقایسه با او چیزهای دیگر بدبختی نیست.

لا یصلیها الا الاشقی. الذی کذب و تولى آنکه تکذیب کرد و چون تکذیب کرد پشت هم کرد.

و سیجنیها الا تقی. اما آنهایی که اتقی هستند، یعنی مصداق «فاما من اعطی و التقی و صدق بالחסنی» هستند، آنها دور کرده می‌شوند از این آتش برفروخته. الذی یوتی ماله یتزی او که معطی است و از مال خود می‌دهد برای اینکه خود را پاکیزه کند و خود را رشد و نمو بدهد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. و اللیل اذا بغیسی. و النهار اذا تجلی. و ما خلق الذکر و الاثنی. ان سعیمک لشتی. فاما من اعطی و اتقی. و صدق بالחסنی. فسنیسره للیسری. و اما من بخل و استغنی. و کذب بالחסنی. فسنیسره للعسری. و ما یغنی عنه ماله اذا تردی. ان علینا الیهدی. و ان لنا للاخرة و الاولى. فانذرتکم نارا تلظی. لا یصلیها الا الاشقی. الذی کذب و تولى.

توضیحی درباره آیه «ان سعیمک لشتی»

این سوره مبارکه این طور شروع شد که بعد از سه سئوگند، این مطلب با تأکید بیان شد که ان سعیمک لشتی؛ یعنی همانا، تحقیقاً چنین است که کوشش شما پراکنده است.

در مورد این «ان سعیمک لشتی» توضیحی عرض کنم. کلمه «شتی» در اینجا به معنی «پراکنده» است. پراکندگی نقطه مقابل تجمع و تمرکز است. مثلاً اگر مردمی با هم باشند یعنی کارهایشان متمرکز باشد در یک جهت و به سوی یک هدف، به اینها می‌گوییم مردم متجمع.

ولی اگر مردمی هر کدامشان تکیه‌روی کنند، به آنها می‌گوییم مردم پراکنده. بنابراین این تعبیر که «کوشش‌های شما پراکنده است» غیر از این تعبیر است که «کوشش‌های شما مختلف است». بعضی از مفسرین این طور تفسیر کرده‌اند که: کوشش‌های شما مختلف است.

«مختلف است» یعنی متنوع است، مانعی ندارد، ولی این مسئله دیگری است و اینجا قرآن می‌خواهد بفرماید کوشش شما پراکنده است: عیب‌جویی می‌کند که چرا باید کوشش شما پراکنده باشد؟! حال، ما باید این پراکندگی را مقداری توضیح دهیم:

گاهی کوشش یک انسان متفرق و پراکنده است و گاهی متمرکز. من به کوشش فکری مثال می‌زنم. فکر انسان یک منبع و مرکز نیرو برای انسان است. ممکن است انسانی خیلی با استعداد باشد اما کوشش فکری‌اش پراکنده باشد؛ یعنی می‌خواهد در همه رشته‌ها سری زده باشد، مدتی از عمرش را صرف این علم می‌کند و مدتی را صرف آن علم و به قول آن ضرب‌المثل عربی در هر دیگی کفگیر دارد، از هر جای اطلاعاتی دارد، اما در واقع از هیچ چیزی هیچ نمی‌داند؛ یعنی در واقع در هیچ رشته‌ای متخصص نیست. طبعاً این طور اشخاص

بنا اینکه در همه چیز سررشته دارند، ولی متخصصین هیچ علمی آنها را قبول ندارند. شنیده‌اید که در میان علما بعضی جامع بودند؛ یعنی در همه رشته‌ها وارد بودند. مثل شیخ بهایی، البته شیخ بهایی واقعاً مرد فوق‌العاده‌ای

بوده و در همه رشته‌ها سری داشته است. ادیب بوده، مفسر بوده، ریاضیدان بوده، فقیه بوده، حکیم و فیلسوف بوده، و در همه این رشته‌ها کتاب نوشته، اما خودش جمله‌ای دارد که می‌گوید «غلبت علی کل ذی فنون و غلب علی کل ذی فن» یعنی با هر آدم ذی‌فنونی که مثل خودم در همه فنون وارد بود نبرد کردم بر او پیروز شدم، ولی با هر فردی روبرو شدم که متخصص در یک رشته بود شکست خوردم.

نتیجه این شده که هیچ ریاضیدانی شیخ بهایی را به عنوان یک ریاضیدان قبول ندارد؛ یعنی اگر بخواهیم مثلاً ریاضیات او را با ریاضیات غیاث‌الدین جمشید کاشانی مقایسه کنیم [قابل توجه نیست].

همچنین هیچ فقهی‌هی را به عنوان یک فقیه درجه اول قبول ندارد. فقه او در مقابل فقیه معاصرش مقدس اردبیلی جلوه‌ای ندارد. و نیز هیچ ادیبی و هیچ حکیم و فیلسوفی او را قبول ندارد.

اگر در حکمت و فلسفه او را پهلوی معاصرش میرداماد بگذارند، طرف نسبت نیست. مشرها هم او را قبول ندارند. خلاصه همه چیز می‌دانسته ولی در هیچ رشته‌ای متخصص نبوده است. این، نتیجه پراکندگی فکر انسان است.

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

جواب جدول شماره ۹۴/۷۹۷

- ۱- به ساخت خودرو
- ۲- پاسخ منفی عرب- راه- وسیله درو
- ۳- بوی خوش- همسر مرغ- تب شمیری
- ۴- نظرها- ممیز بی‌پایان- گل نامیدی- مکانی در مکه
- ۵- از صفات پاربتعالی- کسی که مدح می‌شود- قز وارونه
- ۶- ستم- مهره‌ای در شطرنج
- ۷- شاکیان- صدای زنبور- جمع سفینه
- ۸- وسیله- از پزشکان حاذق شیرازی- هنوز لال نشده
- ۹- نام کوچک مجری خندوانه- توان- نامی دخترانه
- ۱۰- واحد پول ژاپن- از مصالح ساختمانی باستانی- خاموش
- ۱۱- آب منجمد- از استان‌های شمالی- از امراض ناشناخته قدیمی
- ۱۲- اولین حرف- دارایی- جایی در جهنم- چغندر پخته
- ۱۳- دور- نویسنده- آخر
- ۱۴- نوعی کشتی باربری- لقب هیتلر- لاف بی‌پایان
- ۱۵- پرحرف- سستیف‌تر از هجو- روحانی ششیعه که در عربستان اعدام شد

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

4	6	9	8	1	7	2	3	5
7	8	3	4	5	2	1	9	6
5	2	1	9	6	3	7	4	8
6	9	2	5	8	4	3	1	7
8	4	5	7	3	1	6	2	9
1	3	7	2	9	6	5	8	4
2	5	8	1	7	9	4	6	3
3	7	4	6	2	8	9	5	1
9	1	6	3	4	5	8	7	2

جواب جدول شماره ۹۴/۲۷۱

		8	5					
3	1		7	6		8	5	4
		4						6
5	3		6	9			1	
7		4		3			5	
8		1	9				4	2
		9					3	
4	8	6		2	7		1	9
				9	2			

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۷۲